مال محمدرضا صفاری

حکایات سعدی

از آن کریم

من جای [illegible] خوانده بودم

۷۹/۷/۲

حب ۲۳ ۷۹/۲/۱۸

مرقع سنه ۱۳۰۹

خط از عبدالصمد کرمانی اشکوری

قیمت ۱۵۰۰۰۰۰ ریال

[illegible]

محمدرضا صفاری

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشنده مهربان

لک الحمد یا ذا الجود و المجد و العلی

هر حمد که صادر شود از هر موجود ◆ مخصوص بکمال تست ای صاحب جود

تبارکت تعطی من تشاء و تمنع

قدر تو بلند و برتر از گفت و شنود ◆ منع از تو و بخشش از تو بر هر موجود

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشنده مهربان

الهی و خلاقی و حرزی و موئلی

یارب ز تو یافت صورت آب و گل من ◆ الطاف تو شد پناه جان و دل من

الیک لدی الاعسار و الیسر افزع

آسانی کار از تو بود حاصل من ◆ هم از کرم تو حل شود مشکل من

إلهي فلا تقطع رجائي ولا تزغ

یارب مکن از امید قطع نظرم ✦ جز جانب جود خود مگردان دل مجرم

فؤادي فلي في سيب جودك مطمع

چون لطف تو باران شود از ابر کرم ✦ حاشا که طمع بود در جای دگرم

إلهي لئن خيبتني أو طردتني

یارب اگر از معصیت جان کاهم ✦ دور افکنی از رحمت خود ناکاهم

فمن ذا الذي أرجوا ومن ذا أشفع

پس جانب امید که باشد راهم ✦ تا روز جزا شود شفاعت خواهم

إلهي أجرني من عذابك إنني

یارب چو اسیر و زارم و دل ریشم ✦ لطفی کن و بگذر ز عذاب خویشم

أسير ذليل خائف لك أخشع

خوار گشته ز عصیان دل ریش اندیشم ✦ وافکنده سر و پیش تو درویشم

إلهي فآنسني بتلقين حجتي

یارب نفسی انیس شو با دل زار ✦ و ز رحمت خویش نا امیدم مگذار

إذا كان لي في القبر مثوى ومضجع

آموز مرا دلیل فضل آخر کار ✦ آنجا که مرا قبر بود جای قرار

إلهي لئن عذبتني ألف حجة

یارب در لطف تو اگر بسته شود ✦ قهر تو هزار سال پیوسته شود

فحبل رجائي منك لا يتقطع

حاشا که ز بیم جور دل خسته شود ✦ یا تار امیدم ز تو بگسسته شود

إلهي أذقني طعم عفوك يوم لا

یارب نبود دل مرا جز تو مآل ✦ تن را رسد از لطف تو تشریف نوال

بنون ولا مال هنالك ينفع

جان را مزه عفو چشان روز سؤال ✦ آنجا که نه فرزند دهد سود و نه مال

الهی اذا لم تعف عن غیر محسن

یارب ز طریق لطف بر جان همه ◆ گر درگذری از زلت و نقصان همه

فمن لمسیئ بالهوی یتمتع

پس کیست که شود بی حسان همه ◆ در بحر کرم ناشنه عصیان همه

الهی اذا لم ترعنی کنت ضایعا

یارب ز رعایت اگر دور شوم ◆ ور خود ز رعایت تو مسرور شوم

وان کنت ترعانی فلست اضیع

ضایع گردم ز قرب مهجور شوم ◆ فارغ ز ملال دل رنجور شوم

الهی لئن اخطأت جهلا فربما

یارب اگر از جهل خود خطا کام ◆ جان از کرمت شاد شود بی پیام

رجوتك حتی قیل ما هو یجزع

زامید تو بس که دل بود بی آرام ◆ گویند که هست از کرمت آرام

الهی لئن فرطت فی طلب التقی

فها انا اثر العفو اقفو واتبع

الهی انلنی منك روحا ورحمة

یارب نظر عطا بسویم انداز ◆ بر من در آسانی و رحمت کن باز

فلست سوی ابواب فضلك اقرع

در بر رویم ... در فضل فراز ◆ حاشا که روم بر در غیر تو باز

الهی ذنوبی بذت الطود واعتلت

یارب ز قصور عمل و حال تباه ◆ سر بر فلک افراخت مرا کوه گناه

وصفحك عن ذنبی اجل وارفع

آن به که برم جانب لطف تو پناه ◆ چون در خور لطف تو بود کوه گناه

الهي لئن اقصيتني او طردتني

یارب بنیاز خود بنازم چکنم ✦ ور نپذیری عجز و نیازم چکنم

فما حيلتي يا رب ام كيف اصنع

دور افکنی از حریم رازم چکنم ✦ ور زدرگه آدم چه چاره سازم چکنم

الهي ينجي ذكر طولك لوعتي

یارب ز غم لطف تو ام برهاند ✦ یاد کرمت سوز دلم بنشاند

وذكر الخطايا العين مني يدمع

هرچند که دل آیه رحمت خواند ✦ از یاد گناه دیده خون افشاند

الهي اقلني عثرتي وامح حوبتي

یارب گنه ارچه هست بسیار مرا ✦ محو فرما کن و میازار مرا

فاني مقر خائف متضرع

باشد بندی خویش اقرار مرا ✦ وز ترس گناه ناله زار مرا

الهي حليف الحب بالليل ساهر

یارب چو محب شب ... را کار است ✦ درد دل او ناله جان آزار است

يناجي ويدعو والمغفل يهجع

وز شوق جمالت همه شب بیدار است ✦ غفلت زده را خواب بلی بسیار است

وكلهم يرجو ثوابك راجيا

وین طرفه که هردو زامید کرم ✦ ز اندیشه رحمت دل و جان بی الم است

لرحمتك العظمى وفي الخلد يطمع

هرچند عمل کوته و اخلاص کم است ✦ در جنت جاوید هوای نعم است

الهي يمنيني رجائي سلامة

یارب کرم تو گر نباشد مددم ✦ خون جگر از دیده رود تا ابدم

وقبح خطيئاتي علي يشنع

امید چو وعده سلامت دهدم ✦ صد طعنه بر امید زند فعل بدم

الهی فلن تعفو فعفوك منقذی

یارب هوای نفس فرمان فرما ♦ شد خرمن عصیانم همه بر باد فنا

والا فبالذنب المدمر اصرع

گر لطف کنی ز لطف گردم بنوا ♦ ورنه بگناه مهلکت افتم از پا

الانقاذ ... الذنب

الهی بحق الهاشمی وآله

یارب بعلو جاه پیغمبر و آل ♦ وانگاه بحق نیکوان پاکیزه خصال

وحرمة ابرارهم لك خشع

آن قوم سرافراز که از حسن فعال ♦ دارند بسر فروتنی بر تو سال

الهی فانشرنی علی دین احمد

کان روز که از قبر برآرم سر خویش ♦ همراه هم کن بدین پیغمبر خویش

منیبا تقیا قانتا لك اخضع

پرهیز و ورع ثابت و ایمان خویش ♦ تا خاک قدم کنم افسر خویش

الانابة ... التقوی

ولا تحرمنی یا الهی وسیدی

یارب بحضور وصل ارباب وصول ♦ کان دم که رسم بحشر از فرط حمول

شفاعة الکبری فذاك المشفع

دورم مکن از شفاعت آل رسول ♦ کین امر از ایشان و رسول است قبول

السید ... الشفاعة ... الکبری ... المشفع

وصل علیه ما دعاك موحد

یارب چه دعا کنم جز این بهر خلاص ♦ توحید و رکوع رافع جرم خواص

وناجاك اخیار ببابك رکع

دائم که بخوانند ترا از اخلاص ♦ یا از کرم تو راز گویند خواص

التوحید ... المناجاة

ایضاً مناجات

حسب تقدیم عظیم الشأن جناب ... امیرالمؤمنین اسدالله الغالب علی بن ابیطالب علیه و علی آله ... صلوات ... بخط ... آقا میرزا محمد حسین خان ... سنه ۱۳۰۶

الهی لئن جلّت وجمّت خطیئتی

یارب گنهم از بار غم افزونست ❖ جان زار و دل افگار و جگر پر خونست

فعفوک عن ذنبی اجلّ واوسع

هرچند گناه من ز حد بیرونست ❖ عفو تو ز گناه من بسی افزونست

الهی لئن اعطیت نفسی سؤلها

یارب هرچند جهل و نادانی را ❖ تابع گردم هوای نفسانی را

فها انا فی روض الندامة ارتع

باشم طلب رحمت رحمانی را ❖ تا ساخته وادی پشیمانی را

الهی تری حالی وفقری وفاقتی

یارب بینی حال پریشان مرا ❖ در آتش فقر سوخته جان مرا

وانت مناجاتی الخفیّة تسمع

با این همه کس نشنود افغان مرا ❖ هم خود شنوی ناله پنهان مرا